

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ دلالت برخی آیات قرآن
۲. مقدمات؛ علم؛ ضرورت و چگونگی کسب علم (اجتهاد)

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: مجتبی

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۲۱

خداوند در آیهی ۴۶ سوره ی بقره، خاشعین را کسانی معرفی می کند که به دیدار پروردگارشان و بازگشت به سوی او ظن دارند. این در حالی است که طبق بیانات حضرت، رسیدن به یقین در دین الزامی است و مطابق آیاتی که مکرر در کتاب آورده شده است، ظن هیچ جایگاهی در اسلام ندارد.

لطفاً توضیح دهید که این دو چگونه با هم جمع می شوند؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۲۳

مسلم است که در کتاب خداوند تناقض یا سخنی بر خلاف عقل وجود ندارد، ولی متشابهاتی وجود دارد که برای فهم معانی آن ها باید به محکّمات کتاب خداوند مراجعه کرد؛ چنانکه فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾؛ «او کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد، از آن آیاتی محکم هستند که اصل کتاب شمرده می شوند و آیاتی دیگر متشابه اند، اما کسانی که در دل هاشان انحرافی وجود دارد از متشابهات آن به دنبال فتنه و به دنبال تأویل آن ها پیروی می کنند، در حالی که تأویل آن ها را جز خداوند و راسخان در علم نمی دانند»؛ چنانکه به عنوان نمونه، در آیه ای فرموده است: ﴿وَجُودٌ يُؤْمِنُ نَاصِرَةٌ ۖ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾؛ «چهره هایی در آن روز شکفته اند؛ به پروردگارشان نظاره گرند»، ولی این با توجه به آنکه نظر کردن به خداوند عقلاً ممکن نیست، آیه ای متشابه محسوب می شود و برای فهم معنای آن باید به آیات محکم مراجعه کرد؛ مانند آیه ای که فرموده است: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ

۱. آل عمران / ۷

۲. القيامة / ۲۲ و ۲۳

«الْخَيْرُ»؛ «دیدگان او را درک نمی کنند و او دیدگان را درک می کند و او باریک بین آگاه است» و از آن فهمیده می شود که مراد از نظر کردن به خداوند، نظر کردن به خود او نیست، بلکه نظر کردن به نشانه های اوست، یا در آیه ای دیگر فرموده است: «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»؛^۲ «و پروردگارت و فرشتگان (در روز قیامت) صف به صف می آیند»، ولی این با توجه به آنکه آمدن و رفتن خداوند عقلاً ممکن نیست، آیه ای متشابه محسوب می شود و برای فهم معنای آن باید به آیات محکم مراجعه کرد؛ مانند آیه ای که فرموده است: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا»؛^۳ «روزی که برخی نشانه های پروردگارت می آید ایمان کسی به او سود نمی رساند اگر از پیش ایمان نیاورده یا در ایمان خود خیری کسب نکرده باشد» و از آن فهمیده می شود که مراد از آمدن خداوند در روز قیامت، آمدن خود او نیست، بلکه آمدن برخی نشانه های اوست، یا در آیه ای دیگر فرموده است: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»؛^۴ «خداوند بر تخت تکیه کرد»، ولی این با توجه به آنکه تکیه کردن خداوند بر تخت عقلاً ممکن نیست، آیه ای متشابه محسوب می شود و برای فهم معنای آن باید به آیات محکم مراجعه کرد؛ مانند آیه ای که فرموده است: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا»؛^۵ «تخت او آسمان ها و زمین را شامل شده است و نگهداری آن ها او را به سختی نمی اندازد» و آیه ای که فرموده است: «أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ»؛^۶ «آگاه باشید که او به همه چیز احاطه دارد» و از آن فهمیده می شود که مراد از تخت خداوند، همه ی مخلوقات او شامل آسمان ها و زمین است و مراد از تکیه کردن او بر آن ها احاطه ی او به آن ها است. به همین ترتیب، آیه ای که در آن فرموده است: «الَّذِينَ يَطُّنُونَ أَنَّهُمْ مُّلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛^۷ «کسانی که گمان می برند پروردگارشان را ملاقات می کنند و آنان به سوی او باز می گردند»، آیه ای متشابه محسوب می شود؛ چراکه گمان بردن به آخرت به معنای صرف احتمال آن دادن، بنا بر حکم عقل و بنا بر آیات محکمی مانند «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»؛^۸ «هرآینه گمان چیزی را از حق کفایت نمی کند» کافی نیست و از این رو، برای فهم معنای آن باید به آیات محکم مراجعه کرد؛ مانند آیه ای که فرموده است: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

۱. الأنعام / ۱۰۳

۲. الفجر / ۲۲

۳. الأنعام / ۱۵۸

۴. طه / ۵

۵. البقرة / ۲۵۵

۶. فصلت / ۵۴

۷. البقرة / ۴۶

۸. یونس / ۳۶

بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ^۱؛ «و کسانی که به آنچه بر تو نازل شد و آنچه پیش از تو نازل شد ایمان می‌آورند و به آخرت یقین می‌یابند» و از آن فهمیده می‌شود که مراد از گمان بردن به آخرت، صرف احتمال آن دادن نیست، بل معتقد بودن به آن از روی یقین است که از باب تقابلی با کافران، گمان بردن به آخرت تعبیر شده است؛ چراکه بیشتر کافران گمان به آخرت نمی‌بردند و اظهار می‌کردند که ما گمان به آخرت نمی‌بریم؛ چنانکه خداوند درباره‌ی آنان فرموده است: «و ظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُزْجَعُونَ^۲؛ «و گمان بردند که آنان به سوی ما باز نمی‌گردند» و از قول آنان فرموده است: «وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدُّتْ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا^۳؛ «و گمان نمی‌برم که قیامت بر پا شود و اگر (احتمالاً) به سوی پروردگارم باز گردم نیز حتماً بازگشت گاهی بهتر از این خواهم یافت». بنابراین، خداوند در آیه‌ی مورد اشاره، در مقام بیان آن است که مؤمنان بر خلاف بیشتر کافران، گمان به آخرت می‌برند، نه اینکه به آخرت یقین ندارند؛ چنانکه در جای خود، گمان بردن به آخرت را نیز برای برخی کافران کافی ندانسته و آنان را به سبب فقدان یقین به آن نکوهش کرده و فرموده است: «وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُتَّقِينَ^۴؛ «و چون گفته می‌شود هرآینه وعده‌ی خداوند حق است و در قیامت شکی نیست، می‌گویید: نمی‌دانیم که قیامت چیست، تنها از روی ظن گمانی می‌بریم و یقین (به آن) پیدا نمی‌کنیم»؛ همچنانکه به روشنی خواسته و هدف خود را یقین‌بندگان به آخرت شمرده و فرموده است: «يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ^۵؛ «آیات را تفصیل می‌دهد تا شاید شما به دیدار پروردگارتان یقین کنید».

از اینجا دانسته می‌شود که خداوند در هیچ موردی ظن را کافی ندانسته، بلکه در همه‌ی موارد یقین را ضروری دانسته و اگر در موردی از ظنّ خاشعان به آخرت یاد کرده، از باب طعنه به گردن‌کشانی بوده است که ظنّ به آخرت نداشتند و اظهار می‌کردند که ما ظنّ به آخرت نداریم؛ چنانکه گویی به آنان فرموده باشد: «اگر شما گمان به آخرت ندارید، مؤمنان گمان به آن دارند!» بر همین بنیاد است که هیچ یک از مذاهب اسلامی، ظنّ به آخرت را کافی ندانسته‌اند، بلکه همه‌ی آن‌ها بر وجوب یقین به آن تأکید کرده‌اند؛ چراکه ظن، هر چند از نظر بیشتر آن‌ها در احکام اسلام اعتبار دارد، از نظر هیچ کدامشان در عقاید اسلام معتبر نیست و به همین دلیل، برداشت همه‌ی آن‌ها از آیه‌ی مورد اشاره، یقین خاشعان به آخرت بوده است.

۱. البقرة / ۴

۲. القصص / ۳۹

۳. الکهف / ۳۶

۴. الجاثية / ۳۲

۵. الزّعد / ۲

با این اوصاف، از خداوند مسئلت داریم که همه‌ی مسلمانان را به نور یقین داخل کند و از ظلمات وهم و شک و ظن بیرون آورد؛ زیرا وهم و شک و ظن ظلماتی هستند که برخی بر روی برخی دیگرند و هر کس خداوند برای او نوری قرار ندهد، برای او نوری نیست.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلس مجتبی‌المرتضی‌القرابها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه پیگیری رسانه

صفحه پیگیری رسانه

صفحه پیگیری رسانه

صفحه پیگیری رسانه

لینک مطلب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.